

ویروس کرونا و رابطه‌ی آن با «فاشیزم نو»

جرج برنارد شاو: تمام حقایق بزرگ در ابتدا توهین به مقدسات تلقی می‌شوند و سپس به مسخره گرفته می‌شوند و در نهایت به عنوان امری بدیهی پذیرفته می‌شوند.

جامعه‌ی سرمایه‌داری تا به امروز سه بار وارد مرحله‌ی افول (یا بحران ساختاری یا آخرین مرحله‌ی) سرمایه‌داری شده است. بار اول جنگ جهانی اول و بار دوم جنگ جهانی دوم و بار سوم از سال 1980 با تغییر کیفی در سرمایه‌داری که با لیبرالیزم شروع شده و وارد مرحله‌ی گلوبالیزاسیون یعنی جهانی شدن سرمایه‌داری می‌شود و تا به امروز به تکامل خود در این زمینه پرداخته است. در مراحل اول و دوم افول سرمایه‌داری جنگ‌های جهانی اول و دوم برای تقسیم و باز تقسیم جهان رخ دادند اما در مرحله‌ی سوم افول سرمایه‌داری از آنجایی که در این مرحله ما وارد دوران جدیدی از سرمایه‌داری شده ایم که دیگر جنگ‌ها و ویرانی‌ها نه بخاطر تقسیم و باز تقسیم جهان، بلکه به دلیل فقط بدست آوردن هر چه ارزان‌تر [یا مفت] مواد خام در جهان رخ می‌دهند. حکومت‌هایی که وابستگی کامل به سرمایه‌ی جهانی دارند با شراکت هم اقدام به جنگ می‌کنند، مانند حمله به عراق، افغانستان، لیبی و... در این میان تقریباً تمام حکومت‌های سرمایه‌داری

عروسک‌های خیمه شب بازی بیش نیستند که بوسیله‌ی سرمایه‌ی مالی به بازی گرفته می‌شوند و هر کاری که سرمایه مالی بخواهد این حکومت‌ها مجبور به انجام‌اش هستند و اگر غیر از این بکنند، مانند یاسر عرفات در فلسطین، اجوید در ترکیه، چاوز در ونزوئلا، لولا در برزیل و... به هر وسیله‌ای ممکن از سر راه برداشته می‌شوند.

پشت تمام این حکومت‌ها (که اغلب هر چهار سال یک بار به اصطلاح انتخاب می‌شوند) دولت‌های سرمایه داری خوابیده که عوض شدنی نیستند و انتخاب کنندگان اصلی حکومت‌ها هستند، مانند نیروهای امنیتی، ارتش، پلیس، رادیو و تلویزیون، روزنامه و مجلات، مدارس، دانشگاه‌ها، مساجد، کلیساها و... که اجزاء پایدار دولت‌های سرمایه داری هستند. و مستقیم و غیرمستقیم به سرمایه‌ی مالی وصل‌اند. اما این سرمایه‌ی مالی را چه کسانی و یا چه حکومت‌هایی اداره می‌کنند، باید خاطر نشان کرد که با تراکم و تمرکز سرمایه این سرمایه‌ها هر روز هر دقیقه متراکم‌تر و متمرکزتر می‌شوند و به آنجایی رسیده است که تقریباً کنترل جهان در دست تعداد خیلی کمی از افراد قرار گرفته و آن‌ها کسانی نیستند جز افرادی که دستگاه چاپ اسکناس دلار را از زمان فروپاشی شوروی و یا قبل از آن در دست داشته‌اند و هر چقدر می‌خواهند شبانه روز دلار چاپ می‌کنند و در این جهان هم کسی یا مرجعی نیست که از این افراد بتواند بازخواست کند. یکی دیگر از دلایل بحران ساختاری سرمایه داری کنونی این است که آنقدر دلار چاپ کرده و در اختیار گروه‌های داعشی و نیروهای ضربت و پلیس‌های مخفی در سطح بین‌المللی قرار داده‌اند که از حد و حساب خارج شده است و اگر چنانچه بخواهند این

پول‌ها را در بانک‌ها بگذارند، هیچ بانکی آن توانایی مالی را ندارد که به این سپرده‌ها حتی یک درصد بهره‌ی بانکی بدهد.

این سرمایه‌ی مالی در جهان از سال‌ها قبل در تلاش است تا از سه طریق کارگران و زحمتکشان و در واقع کل بشریت را به خود محتاج نماید. این سه طریق که شامل «مواد خوراکی و آشامیدنی» و «دارو بهداشت و درمان» و «نفت و گاز و برق» است را در دست خود متمرکز کرده و از این رو شریان و نبض جامعه را در کنترل خود دارد. سرمایه‌ی مالی از جمله شروع به خرید تمام کنسرن‌هایی که مربوط به خرید، حمل و نقل، مواد غذایی، آشامیدنی، بهداشت، دارو و درمان می‌شدند را در سطح بین‌المللی زیر کنترل خود درآورده است. سرمایه‌ی مالی این سه مورد بالا را به این دلیل تحت کنترل خود گرفته است که قادر باشد در یک روز میلیون‌ها انسان را بدون شلیک گلوله یا از گرسنگی و تشنگی (در نتیجه‌ی قحطی) و یا با بیماری‌های مختلف (مانند ویروس کرونا) از پای درآورد. برای رسیدن به این هدف پول مفت را هم هر چقدر بخواد شبانه روز چاپ می‌کند. در این سطح از تبادلات سرمایه داری نیازی به اسکناس و پشتوانه بانکی (طلا و غیره) هم نیست، زیرا که اینگونه مبالغ اغلب همه مجازی هستند. با این پول‌های مفتی که بدست می‌آورد حتی می‌تواند چندین برابر قیمت اصلی این کارخانجات و مارکت‌های بزرگ جهان را خریداری کرده و در دست خود متمرکز کند.

واقعیت این است که سرمایه‌ی مالی سلطه بر تولیدات دارویی و مواد غذایی را همچنان حفظ خواهد کرد و در نتیجه منطق سرمایه‌ی مالی بی‌توجه به جان انسان‌ها و شیرازه‌ی جامعه از هم می‌پاشد، زیرا باید برای حفظ موقعیت اقتصادی خود حاضر است از جان انسان‌ها مایه بگذارد، حتی اگر به کشتار

میلیاردها انسان ها و نابودی جامعه‌ی بشری بیاتجامد!... و اینجاست که تقدیس مالکیت خصوصی به تقدیس جنایت مقدس فاشیزم نو مبدل می شود. بارها شاهد بوده ایم که انحصارات دارویی، حتی در کمال بیرحمی دست روی دست گذاشته و منتظر ماندند تا دامنه‌ی بیماری و مرگ و میر (ایدز، ایبولا، کرونا) چنان وسعتی پیدا بکند که همه‌ی مردم جهان فقط و فقط به فکر جانشان بیفتند. این در حالیکه هر بیماری جدیدی از بیماری قبل از خود خطرناک‌تر می باشد.

سرمایه‌ی مالی در سایه‌ی جوّ ترس و وحشتی که از واگیری این بیماری ها ایجاد می شود، برای سایر مقاصد خود استفاده می کند. برای مثال در سایه‌ی قرنطینه کردن مردم در خانه هایشان حکومت های وقت جوّی نظامی حاکم می کنند که از قبال آن بهره برداری هایی می شود از قبیل:

1- به بهانه‌ی مانور نظامی و آمادگی برای مقابله با حمله‌ی روسیه، نظامیان ناتو 37 هزار نفر را در آلمان مستقر کردند (7 هزار نفر آن ها فقط در هامبورگ قرار دارند). در حالی که این شایعه‌ی حمله‌ی روسیه تنها بهانه‌ای است برای ایجاد هر چه بیش تر پایگاه های نظامی آمریکا در اروپا و دیگر نقاط جهان و... و دامن زدن به فاشیزم نو در سطح بین المللی.

2- سال ها بود که سرمایه‌ی مالی در فکر جایگزینی کارت بانکی با اسکناس بود و به دنبال راه چاره ای طبیعی می گشت تا این عمل را وجهه ای انسان دوستانه ببخشد و ویروس کرونا دقیقاً عاملی شد برای جمع کردن نقدینه در دست مردم تا از شیوع این بیماری جلوگیری شود و تشویق مردم به استفاده از کارت بانکی که با پذیرش مردم روبرو گردد. در حالی که هدف اصلی نه خدمت به مردم بلکه کنترل مالی تمام افراد جامعه است و به این ترتیب

هیچکس نمی تواند پولی را در جایی به غیر از بانک پس انداز کند و در نتیجه تمام تبادلات حساب بانکی یک فرد اعم از پس انداز، خرید و انتقال پول تنها از طریق این کارت میسر می گردد. در نتیجه دولت به راحتی می تواند این حساب ها را کنترل کرده و حتی این حساب ها را به روی صاحبانشان ببندد و یا حساب آن ها را صفر بکند. (مانند حساب بانکی مایکل جکسون که بعد از مرگش صفر کرده و او را 500 میلیون دلار هم بدهکار کردند). اما در دوران فاشیزم نو برای بستن حساب کسی منتظر مرگ او نمی شوند و به ویژه به آسانی مخالفان خود را به زانو در می آورند... نوع جدید بردگی.

3- ایجاد خط اینترنتی 5G که در هلند¹ انجام گرفت² و پرندگان روی هوا مردند و روی زمین ریختند. با این وجود این تلفن های همراه را در آمریکا و برخی کشورهای جهان تبلیغ می کنند.³

4- جلوگیری از آمدن پناهندگان به بهانه ی ویروسی کرونا که وسیله ای شد برای شلیک به پناهندگان.

5- جلوگیری از تمام آکسیون ها و راهپیمایی ها که داشت در جهان وسعت میلیونی می گرفت. اکنون با شیوع این ویروس برای جلوگیری از این مبارزات و بدون دخالت پلیس و با رضایت مردم آن ها را خانه نشین کرده و در برخی از کشورهای اروپایی حکومت نظامی برقرار کردند.

6- صدها تست دیگر در زمینه های مختلف از قبیل کنترل مواد غذایی جهان به وسیله ی شرکت ها و کنسرن های بزرگ جهان و فروشگاه های زنجیره ای، کنترل مواد مصرفی ضروری مواد شوینده و ضد عفونی کننده، کنترل داروها و

¹ - <http://www.nashr.de/musik/holand.mp4>

² - <http://www.nashr.de/2/mot/5G-1.pdf>

³ - <http://www.nashr.de/2/mot/5G-2.pdf>

بهداشت عمومی و صدها موارد دیگر که در حال حاضر از انظار پنهان می‌باشد.

7- آنچه که بر هیچکس پنهان نیست این است که دولت‌های سرمایه‌داری همیشه نوکران حلقه بگوش متخصص را برای انجام کارهای تخصصی به خدمت گرفته‌اند. نمونه‌ی آخری که فاش شده دو دکتر هیستند که بعد از جریان یازده سپتامبر، تمام زندانیان سیاسی (به اصطلاح در رابطه با القاعده) را با روش‌های تازه‌ای شکنجه می‌کردند. این دکترها در خدمت سازمان جاسوسی «سی‌ای» (سیا) آمریکا بوده‌اند.

با رشد فاشیسم نو سرمایه‌ی مالی نیز به متخصصانی مانند این دکترها نیاز دارد، با این تفاوت که اینبار این گونه متخصصان فرامیتی عمل خواهند کرد و وابسته به هیچ دستگاه دولتی یک کشور خاص نخواهند بود.

سرمایه‌ی مالی از طریق دولت‌ها [نه حکومت‌ها] و ارتش‌ها (ناتو)، صنایع تولید دارویی خود را جدا از صنایع داروسازی جهانی دارند که در آن‌ها تحقیقات (بمب‌های شیمیایی، مواد سمی و بیولوژیکی در ایجاد و دفع بیماری‌ها) انجام داده و مقاصد نظامی خود را دنبال می‌کنند. ارتش آمریکا از دهه‌ی 1990 میلادی تاکنون، ظرفیت تولید واکسن، آن هم به قیمت نازل را داشته است.⁴ حتی بنا به گزارشات منتشر شده، حکومت آمریکا، طی 20 سال گذشته بالغ بر 500 میلیون پوند (حدود 600 میلیون دلار) روی تحقیقات کرونایی سرمایه‌گذاری کرده⁵ و چه بسا که واکسن و داروی ضد آن را هم تهیه کرده است؛ اما این قرار نیست برای درمان "جمعیت مازاد" استفاده

⁴ - <https://www.technologyreview.com/s/401423/should-the-government-make-vaccines>

⁵ - <https://www.citizen.org/article/blind-spot>

شود، بلکه قرار است فقط برای نیروهای مخصوص سرمایه‌ی مالی که در پخش ویروس کرونا همکاری می‌کنند ذخیره شده، شود.

ناگفته نماند که بی دلیل نیست که پنتاگون آمریکا حدود دو سال پیش مبلغی بالغ بر 21 تریلیون دلار را به اصطلاح گم کرد. از آنجا که ناتو زیر نظر پنتاگون اداره می‌شود بعید نیست که این مبلغ در راه مقاصد فاشیسم نو در زمینه‌های گوناگون به مصرف رسیده است، ولی آن‌ها نمی‌خواهند بیلان کارشان را در رابطه با این پول به خارج از پنتاگون نشان بدهند حتی به گردانندگان حکومت وقت. یعنی یک نمونه‌ی بسیار دردناک، پولی است که «پنتاگون» در سال گذشته میلادی «گم» کرده است. پنتاگون که مغز ماشین جنگی امپریالیزم جهانی است در سال 2018 اقرار کرد که مبلغ 21 تریلیون دلار را «گم» کرده⁶ و در محاسباتش نتوانسته پیدا کند که به چه مصرفی رسیده.

چند شرکت بزرگ جهانی، بذره‌های کشاورزی و غذای مردم کل جهان را کنترل می‌کنند. آن‌ها مالکان جهانند. آن‌ها همه چیز مردم، حتی جمعیت مردم جهان را کنترل می‌کنند، این خطر بدتر از هر بمب و سلاحی است که ساخته شده است. هر کسی که غذای مردم را کنترل می‌کند، جهان را کنترل می‌کند.

سازمان ملل هم یکی از ابزار است که در اختیار سرمایه‌ی مالی می‌باشد. پیش‌بینی سازمان ملل متحد (UN)، برای آینده‌ی نزدیک چیست؟ گشته شدن حداقل 3 میلیارد انسان از جمعیت (اضافی) جهان. این سازمان‌ها عبارتند از

⁶ - <https://www.rt.com/usa/426643-lee-camp-pentagon-theft>

WHO و AFO یعنی سازمان بهداشت جهانی و دیگری سازمان کشاورزی و خواربار. (فیلم با زیرنویس فارسی)⁷

در دوران افول سرمایه داری، نیروهای مولد به نیروهای مخرب تبدیل می‌شوند، در زمان جنگ جهانی اول و دوم، از خودبیگانگی تا بدین حد رشد و نمو نکرده بود و جان انسان‌ها ارزش داشت ولی سرمایه داری کاری کرده که مردم به این کشتارها عادت بکنند، برای نمونه مقایسه میزان از خودبیگانگی مردم در زمان جنگ ویتنام با امروز است... این همه کشتار و تجاوز به افغانستان، یوگسلاوی، لیبی، عراق، کوبانی، فلسطین و... را می‌بیند ولی عکس العمل مردم آن موقع کجا و عکس العمل امروز مردم کجا.

فرق «فاشیسم» دوران هیتلر با «فاشیسم نو» امروز در چیست؟

فرق دوران لنین و تروتسکی با امروز در چیست را نیز باید بیان کرد. جنگ‌ها در آن دوران به خاطر تقسیم جهان رخ می‌دادند. ولی امروزه کشورهای امپریالیستی مشترکاً وارد جنگ می‌شوند (مانند جنگ‌های لیبی، عراق، افغانستان و...). در این جنگ‌ها کشورهای امپریالیستی برای رسیدن به مقاصد مالی خود سرکوب حکومت‌های وقت می‌پردازند و نه سرکوب دولت سرمایه داری این کشورها و رژیم‌ها را برداشته و با نوکران حلقه بگوش مناسب‌تری را جایگزین می‌کنند. (مانند عراق و افغانستان) تا جو را برای آمدن فاشیسم نو هموار گردانند.

کشورهای بزرگ را که کنترل‌شان برای سرمایه‌ی مالی سخت می‌باشد یا از طریق مذهب و یا ناسیونالیسم به هر وسیله‌ای که باشد می‌خواهند هر چه کوچک‌تر و کوچک‌تر بنمایند. لذا در این دوران کشورها هر چقدر کوچک‌تر

⁷ - <http://www.nashr.de/musik/sazemanMelal.mp4>

باشند به همان حد می توان خیلی راحت تر سرکوب اشان کرد. «حق تعیین سرنوشت» برای سرمایه ی مالی امپریالیستی به این معنا است که کشورهای کوچک را با کمک عوامل داخلی به آسانی تحت کنترل خود در بیاورند.

در دوران افول سرمایه داری کنونی، نیروهای مولد کاملاً به نیروهای مخرب تبدیل شده اند و تمام پیشرفت بشریت در علم فقط به این خلاصه می شود که چطور و به چه طریق توده های کارگر و زحمتکش که اکثریت جمعیت بشر را تشکیل می دهند، می توان سرکوب و کنترل کرد. مثلاً کنترل کارهای مردم در اینترنت، موبیل و سایر مدیای اجتماعی، دروبین های خیابان ها به منظور شناسایی چهره های مردم و کنترل فعالیت های آن ها و نیز وسایل شکنجه و اعتراف گیری، جمع آوری تمام داروهایی که در گذشته خیلی سریع سلامت انسان را به او برمی گردانند، کشف ویروس های جدید مانند ایدز، کرونا و اشاعه ی آن ها در جهان و... تا بتواند انسان را از فکر کردن به مسائل اجتماعی باز داشته تا او بر فرهنگ فردگرایانه ی سرمایه داری فقط و فقط به فکر جان خود باشد.

مثالی زنده در مورد ویروس کرونا: وقتی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی مطمئن شد که مردم ایران به صورت خیلی وسیع در انتخابات شرکت نخواهند کرد و موقعیت انقلابی در ایران در حال ایجاد شدن بود این ویروس را با نظر و تأیید سرمایه داری جهانی وارد ایران کرد. از طرف دیگر سرمایه ی مالی جهانی نقداً ناظر بر این بود که در دیگر کشورهای جهان، اعتراضات گسترده ای در روزهای جمعه با تعطیل شدن مدارس در جریان بود که به حرکت های میلیونی ضدسرمایه داری در سطح بین المللی تبدیل شده بود، سرمایه ی مالی جهانی را بر آن داشت تا با انتشار ویروس کرونا به همه ی این

حرکت‌ها در سطح جهانی پایان داده و مردم تحت ستم را خانه‌نشین نماید. به این ترتیب دیگر لازم به آوردن نیروهای نظامی برای سرکوب این حرکت‌ها نداشت و به اصطلاح بیگناه گردید.

ناگفته نماند که سرمایه‌ی مالی با پخش ویروس کرونا به حکومت‌های سرمایه‌داری فهماند که باید مطیع او باشند تا عمرشان طولانی‌تر شود. البته تمام این معاملات بین سرمایه‌ی مالی و دولت سرمایه‌داری را پشت صحنه انجام می‌دهند.

البته این اولین باری نیست که سرمایه‌ی مالی به نجات دولت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی شتافته است: در سال 1388 زمانی که قیام می‌رفت تا از کنترل دولت (موسوی و کهرابی، سبزه‌ها) خارج شود، سرمایه‌ی مالی به کمک رژیم شتافته و قیام مردم را در پرده‌ی قربانی کردن مایکل جکسون، به دور از تمام دوربین‌های خبری سرکوب نمود. همان شب که مایکل جکسون را گشتند آدرس صدای آمریکا را در اینترنت تغییر دادند در نتیجه مردمی که از تمام صحنه‌های سرکوب فیلمبرداری کرده بودند نتوانستند آن‌ها در صدای آمریکا پخش کنند. چند روز طول کشید تا مردم آدرس جدید را یافتند و در آن زمان تنها موضوع روز مرگ مایکل جکسون شد. از طرف دیگر روز قبل از کشته شدن مایکل جکسون، احمدی نژاد با مرکل رئیس حکومت آلمان دیدار کرد و روز بعد از آن مرکل با اوباما ساعت 12 ظهر دیدار نمود و شب هنگام مایکل جکسون مرد و ایران سه روز از تمام خبرها محو شد و جمهوری اسلامی همه را کشت و یا به زندان انداخت و حتی دستگیر شدگان را در کانکس‌ها می‌چپاندند. یعنی سر پا تا جایی که می‌شد انسان‌ها را مثل گوسفند در آن کانکس‌ها پر می‌کردند.

در نتیجه سرمایه‌ی مالی اگر بخواهد قیام‌های مردم تحت ستم را سرکوب نماید و زمینه‌ی هرگونه انقلاب را علیه نظام سرمایه‌داری در ریشه خشک کند، با پخش ویروس و یا هر بیماری دیگری به راحتی این عمل را انجام می‌دهد بدون اینکه نشانه‌ای از خود بجای بگذارد.

افول سرمایه‌داری در دوران کنونی شکلی گلوبالیزه دارد لذا باید نتیجه گرفت که فاشیزم آن هم باید شکل جهانی داشته باشد و از این رو، این فاشیزم با فاشیزم ماقبل خودش (آدم‌هیتلر در آلمان در جنگ جهانی دوم) فرق اساسی دارد. فاشیزم زمان جنگ جهانی دوم شکل ناسیونالیستی داشت زیرا برای تقسیم مجدد جهان بوجود آمده بود. در حالی که فاشیزم نو در سطح جهانی در حال فعال شدن است ما با کمک نوعی بیماری (ویروس، میکروب) در یک روز شاهد گشتاری خواهیم بود که در جنگ جهانی دوم ظرف چهار سال صورت گرفت. این است نتیجه‌ی پیشرفت علم در سیستم سرمایه‌داری؟ به قول مارکس علم در سیستم سرمایه‌داری به نوعی ایدئولوژی [مذهب] تبدیل می‌شود که در خدمت طبقه‌ی حاکم است.

آینده‌ی نظام سرمایه‌داری بسیار شوم است: رباط‌های اسلحه بدست، انسان‌های جان به سلامت دربرده را در قلاده‌های الکترونیکی به گردن کرده را به کار می‌گیرند. برده‌داری با پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌ها! داشتن یک زندگی خوب حق تمام بشریت می‌باشد! اما سرمایه‌داری نه تنها سد راه چنین زندگی‌ای است بلکه امروز دارد حتی حق حیات را هم از انسان‌ها به وسیله‌ی جنگ و گشتار و هم به وسیله‌ی ویروس‌هایی که کشف و در جهان پخش کرده و می‌کند، می‌گیرد.

نتیجه‌ی نهایی اینکه تمام انسان‌هایی که خواهان یک زندگی واقعاً انسانی هستند باید آستین‌هایشان را بالا بزنند تا هر چه زودتر این سیستم سرمایه‌داری را در سطح ملی و جهانی پایین بکشند، زیرا فاشیزم نو هم چیز را در سطح جهانی به نابودی خواهد کشید و جان میلیاردها انسان بیگناه را خواهد ستاند.

کل بشریت امروز با رهبری طبقه‌ی کارگر در تمام کشورها و جهان است که هنوز می‌تواند با یک انقلاب کارگری -سوسیالیستی به عمر نئکین نظام سرمایه‌داری پایان بخشد. زیرا در غیر این صورت بحران ساختاری سرمایه‌داری که آن را آماده‌ی سرنگونی می‌سازد در صورت غیاب انقلاب سوسیالیستی، در سطح ملی و بین‌المللی، که وجه تولید سرمایه‌داری را به وجه تولید سوسیالیستی تبدیل می‌نماید، زمینه را برای آمدن فاشیزم نو آماده می‌نماید.

«فاشیزم آخرین حربه‌ی طبقه‌ی سرمایه‌دار است. جوهر یک نهضت فاشیستی [جهانی]- در طول بحران اجتماعی طولانی و شدید- بسیج بخش‌های خرده‌بورژوازی و لومپن پرولتاریا است و هدف آن متلاشی کردن سازمان‌ها و قدرت طبقه‌ی کارگر. تشکیل جبهه‌ی واحدی از تمام سازمان‌های کارگری؛ گارد دفاعی کارگران؛ و دفاع مبارزه‌جویانه از قدرتی که هم در زمینه‌های اقتصادی و هم در زمینه‌های سیاسی به دست طبقه‌ی کارگر» خواهد افتاد- این‌ها پیشنهادات تروتسکی برای مقابله با تهدید فاشیزم بود. این برنامه به طور اجتناب‌ناپذیری مسأله‌ی انقلاب سوسیالیستی را طرح می‌کند، که در نهایت تنها راه خاتمه دادن به تهدید فاشیزم است.» برنامه انتقالی برای انقلاب سوسیالیستی

به همین دلیل تدارک مبارزه با سرمایه داری در سطح ملی را باید شروع کرد و تا سطح بین المللی باید پیش برد. این تدارک می تواند به قرار زیر باشد.

تدارک کار کاملاً مخفی از طرف رهبری هر تشکلی برای اجرای اهداف زیر.

در غیر این صورت یا آن رهبری خریداری شده و خیانت خواهد کرد و یا آن رهبری کشته خواهد شد. لذا لازم است تا این رهبری شورایی عمل کند:

تدارک جنبش سراسری کارگری هم در سطح ملی و هم بین المللی

تدارک هسته های کارگری - سوسیالیستی و از آن طریق تدارک حزب کارگران سوسیالیست/کمونیست

تدارک تسلیح کارگران و زحمتکشان [اردوی کار] و تبدیل آن به میلیشای شهری

تدارک مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری که تنها راه تبدیل منافع فردی به منافع جمعی می باشد.

تدارک انقلاب سوسیالیستی به رهبری طبقه ی کارگر در سطح ملی و بین المللی برای انتقال به جامعه ی کمونیستی

پاشار آذری

26/03/2020